

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره هشتم - آبان ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۴

بررسی سبک استعارات جهتی در کتاب رویاهای پدرم بر اساس نظریه استعاره

معاصر

(ص ۳۹-۲۳)

جلیل غیائی^۲، محمدرضا اروجی^۳ (نویسنده مسئول)، بهزاد رهبر^۴

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: مرداد ۹۸

چکیده

در تعریف سنتی استعاره‌ها عموماً جایی نمایان میشوند که یک چیز به جای چیز دیگر به منظور تاثیر بلاغی و بدیعی به کار میرود. امروزه این تکنیک مورد توجه حوزه‌های مختلف علوم و دانش قرار گرفته است اما مهمترین حوزه پرداختن به آن علوم شناختی به ویژه زبانشناسی شناختی میباشد. جانسون و لیکاف دو دانشمند برجسته این حوزه مدعی هستند که استعاره در زندگی روزمره و نه تنها در زبان که در اندیشه و عمل ما جاری و ساری است. این نظریه را آنها در سال ۱۹۸۰ و مطرح نمودند. در مقاله حاضر زبان استعاری در کتاب *روایه‌های پدرم* را با توجه به نظریه استعاره معاصر جانسون و لیکاف ارزیابی کردیم. روش مورد استفاده تحلیلی توصیفی میباشد که بر اساس آن استعارات جهت‌مند از متن استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان میدهد که با وجود استعارات جهت‌مند منطبق با نظریه فوق استعارات جهت‌مند دیگری نیز وجود دارند که از نظریه جانسون و لیکاف تبعیت نمیکنند.

کلیدواژه‌ها: استعاره، استعاره جهت‌مند، زبانشناسی شناختی، لیکاف و جانسون، استعاره هستی‌شناختی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(jalilghiasi@yahoo.com)

۳- استادیار زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

(mohammadrezaorji@yahoo.com)

۴- استادیار زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

(behzadrahbar@yahoo.com)

The Investigation of Orientational Metaphors in "Dreams from my Father"

Jalil Ghiasi^۱, Mohammadreza Oroji^۲ (Corresponding Author),
Behzad Rahbar^۳

Abstract:

Metaphor is traditionally defined as a figure of speech that makes a comparison, for rhetorical effect, between two things that are fundamentally dissimilar. Today, metaphor receives scholarly attention in various fields of sciences including cognitive sciences and prominently cognitive linguistics. Johnson and Lakoff, two distinguished figures in the very field, claim that metaphor is pervasive in everyday life, not just in language but in thought and action. They introduced such iconoclastic foundation of idea in 1980 with the publication of their book *Metaphors We Live by*. The present article focuses upon Obama's metaphorical language in his novel *"Dreams from my Father"* with regard to Johnson's and Lakoff metaphor theory. The research method is descriptive-analytical based on which the oriental metaphors are extracted from the novel and are studied for analysis. The results suggest that though the oriental metaphors tallying Johnson's and Lakoff metaphor theory is large in number, there still are other metaphors with apparently oriental quality that do not correspond to contemporary theory of metaphor. Hence, a new path for scholars in the field.

Key words: Metaphor, Oriental metaphor, Cognitive linguistics, Johnson and Lakoff, Ontological Metaphor.

1 - PhD Student in Linguistics, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. (jalilghiasi@yahoo.com)

2 - Assistant Professor of Linguistics, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (mohammadrezaoroji@yahoo.com)

3 - Assistant Professor of Linguistics, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (behzadrahbar@yahoo.com)

۱. مقدمه

زبان به عنوان ابزاری جهت کشف ساختار نظام شناختی انسان، عقیده و نگاهی است که زبان شناسان شناختی به آن دارند. این دسته از زبان شناسان، استعاره را پدیده‌ای شناختی مینامند و معتقدند که آنچه در زبان ظاهر میشود تنها نمود این پدیده شناختی است. از دیدگاه آنها، استعاره به هرگونه درک و فهم و نیز استفاده از قالب تصورات ملموس جهت ارائه تصورات انتزاعی اطلاق میگردد. قبل از پیدایش زبانشناسی شناختی، عموم زبانشناسان، استعاره را به عنوان ابزاری جهت پردازش خیال در شعر میدانستند لذا آن را غالباً مفهومی ادبی و وابسته به زبان ادب به شمار می‌آوردند. اما با گسترده شدن الگوهای شناختی، کارکرد این مفهوم در گفتمان روزانه مورد توجه اهل زبان قرار گرفت. زمانی بود که ما فکر میکردیم افلاک مثل پوست پیازی روی هم چیده شده است. در واقع به کمک این استعاره میخواستیم جهان را توصیف کنیم. الان هم که راجع به الکترون و پروتون حرف میزنیم با زبان استعاری سروکار داریم. زبان طبیعی هم که بازتاب تعبیر ما از جهان است پر از استعاره میباشد (بررسی استعاره‌های جهت گیرانه در شعر شاملو، بیابانی ص ۱۱۴).

جدا از اینکه استعاره به زعم پیشینیان، که اغلب با تبعیت از ارسطو، استعاره را تنها به عنوان یک آرایه زینت بخش ادبی برای زبان میدانستند امروزه این تکنیک مورد توجه حوزه های مختلف علوم و دانش قرار گرفته است که برای نمونه میتوان به استعارات مختلف در علوم پزشکی، صنایع غذایی، رسانه، ورزش، اقتصاد و غیره اشاره نمود. اما مهمترین حوزه پرداختن به استعاره و کانون توجه به آن در علوم شناختی به ویژه زبانشناسی شناختی میباشد. گزاف نیست اگر ادعا کنیم که بررسی استعاره در حوزه زبانشناسی شناختی امروزه یکی از پربسامدترین موضوعات میباشد که درباره آن مقالات و کتابهای گوناگون و بی‌شماری به چاپ رسیده اند.

در مقاله حاضر تکیه کار بیشتر بر روی مفاهیم متاخر که در زبانشناسی شناختی توسط لیکاف و جانسون^۱ معرفی گردید میباشد. همچنین از میان استعارات موجود در زبانشناسی شناختی استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی و جهت‌مند با روش توصیفی - تحلیل در کتاب "روایهای پدرم"^۲ اثر باراک اوباما استخراج و مورد بررسی قرار گرفته اند. بدین منظور استعارات ذکر شده از کتاب صدرالذکر (روایهای پدرم) استخراج شده و با توجه به قالبهای نظری لیکاف و جانسون در اختیار علاقمندان قرار میگردد. بررسی تمام استعارات بکار رفته در کتاب اوباما از حوصله یک مقاله خارج بوده و به همین دلیل نگارندگان این مقاله تنها به

۱- Lakoff and Johnson

۲- Dreams from my father

برخی از آنها بسنده کرده است. البته انتخاب استعارات با دقت بسیار زیادی شکل گرفته است تا بتوان به صورت هوشمندانه شاهد و مثالهایی را ارائه کرد که با رویکرد استعاری لیکاف و جانسون منطبق باشند.

بحث در مورد استعاره از دیر باز تا امروز در ادبیات کهن و معاصر سایر ملل مطرح بوده است. استعاره از آغاز آفرینش تاکنون در ادبیات کلامی انسانها نقش داشته و در آثار کلاسیک و ادبی بسیاری از دانشمندان و نویسندگان دیده میشود. با این وجود استعاراتی که در این الگوهای کهن به چشم می‌خورند ریشه در تفکر فلسفه‌ای دارند که در هر عصر متفاوت بوده اند. اما امروز استفاده از استعاره تنها در انقیاد ژانرهای متون فاخر ادبی نمیشود و علاوه بر اینکه یک آرایه ادبی غنی میباشد به عنوان ابزاری پربسامد در زبان روزمره و ادبیات نوشتاری معاصر استفاده میشود. این بنای شمایل‌شکنانه را جانسون و لیکاف در سال ۱۹۸۰ و با معرفی کتابی به نام استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم نهادند.

به نظر میرسد که استعاره به عنوان یک پدیده شناختی ژرف به عنوان پلی میان انسان و جهان خارج بنا میشود. به بیان ساده استعاره بیان چیزی است در مفهوم چیزی دیگر. به عبارت دیگر، استعاره قیاسی تلویحیست بین چیزها و مفاهیمی که وجوه تمایز دارند و متفاوتند اما در عین حال مشترکاتی هم دارند. حال این اجزای مشترک میتوانند کاملاً دور و یا نزدیک به ذهن باشند. با این وجود استعاره در بسیاری از موارد پیچیدگی‌هایی خاص برای مخاطب ایجاد میکند. لیکاف و جانسون از سال ۱۹۸۰ به بعد استعاره را از منظری جدید مورد بحث و بررسی قرار و زاویه‌ای جدید از استعاره را در رویکردهای زبانشناسی شناختی نشان داده‌اند (استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم، جانسون و لیکاف: ص ۱).

با مطالعه مفاهیم فوق در مورد مطالعه و نیز علاقه‌ای که نگارندگان پژوهش حاضر به زبان استعاری و نیز ادبیات اوباما داشته است همت بر این گمارده شد که رگه‌های استعارات جهتمند موجود در کتاب رویاهای پدرم اثر باراک اوباما را در قالب نظریه لیکاف و جانسون مورد بررسی قرار دهد. بنابراین استعارات جهتمند از کتاب فوق استخراج شده و بر اساس نظریه لیکاف و جانسون مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مطالعات بسیاری در مورد انواع استعاره و نقش آنها در متون مختلف صورت پذیرفته اما به نظر میرسد تاکنون تحقیقات چشمگیری در مورد استعارات جهتی لیکاف و جانسون بر رمانهای مطرح دنیا شکل نگرفته باشد. اهمیت این مطالعه نیز بر نوآوری و جدید بودن آن میباشد.

باراک حسین اوباما در سال ۱۹۹۵ کتابی را تحت عنوان " رویاهای پدرم " به رشته تحریر درآورد که بلافاصله پس از تجدید چاپ در سال ۲۰۰۴ به عنوان پرفروش‌ترین کتاب

سال معرفی گردید. اواما همچنین جایزه گرمی (Grammy) ^۱ در بخش کتابهای صوتی را تصاحب نمود (ویکیپدیا، ۲۰۱۹).

شم ادبی اواما و فصاحت او در گفتار و نوشتار جدای از رویکردهای سیاسی وی در دوران ریاست جمهوری اش نقاط قوتی میباشد که انگیزه مطالعه و تحقیق و بررسی آثار وی را به عنوان یک سیاستمدار ادیب و سخنور برای نگارندگان این مقاله مضاعف نموده است. این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ به سؤالات زیر است:

(۱) آیا نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) به عنوان مبنای نظری در استخراج استعاره‌های جهتمند در متون معاصر بخصوص رمان «رویاهای پدرم» اثر باراک اواما کفایت لازم را دارد؟
(۲) استعاره‌های جهتمند چگونه در رمان «رویاهای پدرم» بازنمایی میشوند؟

۲. مبانی نظری

استعاره یا Metaphor دارای ریشه یونانی میباشد و از واژه Metaphora که خود مشتق است از پیشوند "meta" به معنی "فرا" و pherein که به معنی "بردن" میباشد. منظور از این کلمه نمونه خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن ویژگیهایی از یک چیز به چیز دیگری فرابرده و یا انتقال داده میشود، که عموماً از مفهوم مقصد به گونه ای سخن گفته میشود که انگار همان مفهوم مبدا است (استعاره، طاهری: ص. ۱۱). این تعریف استعاره از هاوکس بیشتر به عنوان یک تعریف ریشه شناختی از استعاره تلقی میکرده که بیشتر جنبه‌های از استعاره را شامل میشود که مابین تعاریف کلاسیک و رمانتیک قرار میگیرد. به طور کل، پیشینه مطالعه و تحقیق در مورد استعاره در غرب به دوران ارسطو باز میگردد. ارسطو معتقد بود که استعاره یک آرایه ی زینتی میباشد که تنها و تنها در ادبیات کاربرد دارد. ناگفته نماند که چنین نگرشی که یک نگرش کلاسیک قلمداد میشود در میان جوامع فارسی زبانان تا به امروز رواج داشته است. نقطه مقابل این نگرش در قرنهای ۱۸ و ۱۹ میلادی که دوران اوج شکوفایی رمانتیسم بوده به چشم میخورد. در مکتب رمانیک باور بر این بوده که استعاره میتواند از قالب صرف ادبی خارج شده و یکی از مولفه‌ها و لازمه زبان و اندیشیدن برای هستی خارج از زبان ادبیات باشد.

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در اثر خود به نام «استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم» نه فقط تحولی چشم‌گیر در معنی شناسی شناختی پدید آورد، بلکه مفهوم استعاره را نسبت به آنچه در ادبیات دریافت شده بود، دست خوش تغییر کرد.

آنچه در نظریه استعاره مذکور به عنوان یک رویکرد جدید مطرح شده است دسته‌بندی استعاراتی میباشد که در زبان روزمره بسیار به چشم میخورد. آنها نظام‌مندی مفاهیم استعاری

را با معرفی استعاراتی همچون برجسته‌سازی و مخفی‌سازی، استعاره و انسجام فرهنگی، استعارات هستی‌شناختی، جان‌بخشی، مجازمرسل، استعارات جهت‌مند و غیره طبقه‌بندی نمودند. در استعارات جهت‌مند که اساس پژوهش حاضر می‌باشد گونه‌ای از استعاره است که در آن هیچ مفهومی به جای مفهوم دیگر به کار نمی‌رود بلکه یک نظام کلی از مفاهیم را در ارتباط با همدیگر ساماندهی و انسجام می‌بخشد. لیکاف و جانسون این نظام مفهومی را استعارت جهت‌مند مینامند. این استعارات به دلیل اینکه با فضاهای جهت‌مربط می‌باشند جهت‌مند نامیده می‌شوند. این استعارات با جهت‌های بالا و پایین، جلو و عقب، کم‌عمق و عمیق و مرکزی و جانبی معرفی و نشان داده می‌شوند (استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، جانسون و لیکاف: ص ۱۶)

بدین ترتیب لیکاف و جانسون اساساً استعاره را "نگاشت میان قلمروهای متناظر در نظام مفهومی" تعریف می‌کنند و از این رو، هر نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی و نه یک گزاره صرف میدانند. به عبارت دیگر، این کلمات یا عبارات نیستند که استعاره را می‌سازند بلکه اساس آن بر روابط مفهومی دو حوزه مبدا و مقصد استوار است. از این منظر، کار کلمات و عبارات، برانگیختن ذهن ما به برقراری ارتباطی است که در خلال آن، موضوعات، ویژگی‌ها و روابط میان دو حوزه رد و بدل می‌شوند (همان: ص ۱۸۶).

۳. پیشینه تحقیق

افراشی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان "استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی" تحلیل ذیل نسبت به موضوع فوق ارائه می‌دهد. واژه‌ها و عبارت‌های قافله سالار، سرمنزل، گردنه صعب العبور، هم راهی، و راه در مثالهای فوق در کنار واژه‌های دیگری مانند ساریبان، باربستن، رحل اقامت افکندن، کوچ به و جز آن، که می‌توانند برای مفهوم سازی استعاری درباره حوزه مفهومی به کار آیند نگاشت استعاری میان دو حوزه فوق را میسر می‌کنند.

هاشمی (۱۳۸۹) به نقل لیکاف اذعان می‌کند استعاره مفهومی در اصل فهم و تجربه چیزی در اصطلاحات و عبارات چیز دیگری است. لیکاف و جانسون اساس این رابطه را که به شکل تناظرهایی میان دو مجموعه صورت می‌گیرد، نگاشت مینامند. آنها مجموعه‌ای را که دارای مفهومی عینی تر و متعارف‌تر است، قلمرو مبدأ یا منبع و مجموعه دیگر را که دارای مفاهیم انتزاعی و ذهنی‌تر است، قلمرو هدف یا مقصد می‌خوانند.

بیابانی (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان "بررسی استعاره‌های جهت‌گیرانه و طرح‌واره‌های تصویری در شعر شاملو" در مورد خواستگاه استعاره در زبانشناسی شناختی چنین مینویسد: "متاسفانه بیشتر و شاید بتوان گفت تمامی نظریات ارائه شده پیرامون مبحث استعاره از نگاهی جدید مربوط به صاحب‌نظران خارجی به ویژه غربی است و ما تنها به ترجمه

هایی از مقالات و نوشته های آنان بسنده میکنیم که با توجه به محدودیتهای خاصی که گاه در ترجمه پیش میآید آنگونه که باید لب و چکیده مقصود صاحبنظران ارائه نمیشود و مشکل دیگر شاهد و مثالها و برداشتهایی است که آنها از زبان و فرهنگ خود استخراج میکنند که گاه با فرهنگ و زبان کشور ما همخوانی ندارد" (همان، ص ۱۱۴).

اما به نظر می رسد که همواره این پرسش مطرح است که چه تفاوتی میان استعاراتی که در زبان روزمره به کار می روند و آنهایی که در ادبیات و شعر دیده میشوند؟ آیا می توان ادعا کرد که استعاره های ادبی گونه هایی متفاوت و مجزا از استعارات روزمره اند؟ به نظر نگارندگان استعاره ها زائیده ادبیات و هنر و تخیل میباشد. در واقع استعاره گره خورده گی نبوغ و تخیل هنرمندانه ی یک نویسنده یا شاعر است. کوچش باور دارد که وقتی پای زبان شناسی شناختی در میان باشد بخشی از این باور درست است و این زبان روز مره و نظام مفهومی عوام است که کمک شایانی به این نبوغ میکند (۲۰۱۰، ص ۴۹). وی با رد این ادعا که شاعران و نویسندگان استعاره های جدید و اصیل نمی آفرینند، بر این باور است که کار آنها خلق استعاره های جدیدی است که عموماً از متن بیرون میزند.

رضا امینی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *مقایسه رویکرد لیکاف - جانسون و هلیدی به استعاره به بررسی و مقایسه رویکردهای لیکاف - جانسون (۱۹۸۰) و هلیدی (۱۹۹۸) به استعاره میپردازد*، دو رویکرد متفاوت که مبانی متفاوتی نیز دارند. رویکرد لیکاف - جانسون به استعاره براساس زبان شناسی شناختی و رویکرد هلیدی به استعاره براساس زبان شناسی نقش گرا استوار است. وی با بررسی استعاره مفهومی در زبان فارسی که شامل استعاره های ساختی، هستی شناختی و جهتی میشود، به این نتیجه می رسد که ساختار زبان فارسی به میزان گسترده ای استعاری است و از سوی دیگر مفهوم های استعاری به کار رفته در زبان فارسی بسیار شبیه مفهوم های به کار رفته در زبان انگلیسی است. بررسی شواهد فارسی نشان می دهد که استعاره های هستی ساختی و ساختاری در زبان فارسی حضور چشم گیری دارند (امینی، ۱۳۸۳).

ارسلان گلفام و فاطمه یوسفی راد در مقاله ای به نام "زبان شناسی شناختی و استعاره" به معرفی زبان شناسی شناختی و نکات مهم موجود در آن که استعاره نیز بخشی از آن است، می پردازند. آن ها نظریه های کلاسیک در مورد استعاره را توضیح داده، سپس نظریه معاصر استعاره را مطرح میکنند. در بخشی از این مقاله چنین آمده است:

"ادعای اصلی نظریه معاصر استعاره آن است که استعاره - برخلاف نظر ارسطو - امری صرفاً زبانی و مربوط به واژگان نیست، بلکه فرایند تفکر انسان اساساً استعاری است یعنی نظام انگاره های ذهن برمبنای استعاره شکل گرفته و تعریف شده است. استعاره در زبان به

این دلیل میسر میشود که در نظام انگاره ای ذهن انسان ریشه دارد" (گلفام، یوسفی راد، ۱۳۸۱).

جورج لیکاف (۱۹۸۲) در مقاله‌ای به نام "نظریه معاصر استعاره" به توضیح نظریه خود می‌پردازد. وی معتقد است جایگاه استعاره به کلی در زبان نیست، بلکه خاستگاه آن را باید در چگونگی مفهومی‌سازی یک قلمرو ذهنی برحسب قلمرو ذهنی دیگر یافت. استعاره یعنی نگاشت بین قلمروها در نظام مفهومی، به عبارتی می‌توان گفت نگاشت از یک قلمرو مبدأ به یک قلمرو مقصد. به این ترتیب استعاره صرفاً موضوعی زبانی نیست، بلکه موضوعی است مرتبط با اندیشه و خرد، و زبان جنبه ثانوی دارد. نگاشت، بنیادی ذهنی است از آن جهت که استفاده از زبان قلمرو مبدأ و الگوهای استنتاج را برای مفاهیم قلمرو مقصد ترغیب میکند (لیکاف، ۱۹۸۲، ص. ۲۶).

زهره هاشمی (۱۳۸۹) در مقاله خود تحت عنوان نظریه استعاره مفهومی از منظر لیکاف و جانسون و به نقل از هاوکس، زینتی و قابل تفکیک بودن استعاره از زبان را اینگونه بیان میکند: "از نظر ادیبان و سخنوران کلاسیک، استعاره موضوعی زینتی و مربوط به بخش غیرعادی زبان است که در آن یک یا چند کلمه خارج از معنای معمول خود و برای بیان معنایی مشابه به کار میرود. در دیدگاه کلاسیک، استعاره از زبان تفکیک پذیر است که می‌توان برای حصول تأثیرات ویژه و از پیش اندیشیده، وارد زبان کرد. این تأثیرات به زبان کمک میکنند تا به آنچه هدف اصلی اش تلقی میشود، یعنی افشای واقعیت جهانی که بلا تغییر و رای آن قرار دارد، برسد (ص. ۳).

استعاره های مفهومی

مفهوم اصلی در نظریه استعاره های مفهومی نگاشت (mapping) میباشد. این اصطلاح از ریاضیات به زبانشناسی وارد شده است و به تناظرهای نظام‌مندی دلالت میکند که میان برخی از حوزه‌های مفهومی وجود دارد. گرادی^۱ (۲۰۰۷) به مفهوم‌سازی استعاری بر "ملت" بر مبنای حوزه مبدأ «کشتی» در زبان انگلیسی اشاره میکند. به گفتاری دیگر، او به چگونگی نگاشت اجزاء عملکرد «کشتی» بر رشد و تحول تاریخی و سایر عناصر موجود در حوزه مفهومی می‌پردازد (استعاره، جی ای گرادی: ص ۱۹۰).

به نظر میرسد در زبان فارسی نیز چنین تناظر نظام‌مندی از نگاشت‌ها میان حوزه مفهومی ملت و کاروان برقرار باشد. برای روشن شدن موضوع مثالهای ذیل قابل توجه میباشد.

(۱) مردم به ندای قافله سالار خود لبیک می‌گویند.

۲) ملت ایران برای رسیدن به سرمنزل مقصود از گردنه‌های صعب العبوری گذر کرده است.

۳) عده‌ای از همراهی ملت در طی این راه باز ماندند.

ژلتن کوچش (۲۰۱۰) در کتاب معروف و کاربردی خود با عنوان "مقدمه ای کاربردی بر / استعاره" بررسی استعاره‌های مفهومی را به عنوان استعاراتی که بتوان آن‌ها را بصورت جهان‌شمول بررسی نمود کاری بسیار دشوار می‌پندارد. از این رو برای شروع این کار پرسش‌هایی را مطرح میکند که یافتن پاسخ برای آنها نیز کاری سخت و دشوار مینماید. وی با توجه به این که اکنون بیش از چهارهزار زبان زنده در دنیا وجود دارد با ایراد سؤالاتی از قبیل اینکه آیا میتوان استعاراتی را پیدا نمود که در زبان‌های کاملا متفاوت از نظر رده شناسی نیز یافت شوند بحث خود را شروع میکند. سپس فرضیه ای را با این مضمون که "آیا این استعاره‌ها جهانی هستند؟" را پیش رو میگذارد و برای تایید یا رد کردن آن به دنبال یافتن نتایجی میرود که در زبانشناسی شناختی حائز اهمیت میباشد (مقدمه ای کاربردی بر استعاره، کوچش: ص ۱۸).

وی با بررسی چندین نمونه از استعارات خوشحالی از قبیل "خوشحالی مایع درون ظرف است"، "خوشحال بالا است" و "خوشحالی روشنایی است" تاکید میکند که چنین استعاراتی در زبان انگلیسی برای مفهومسازی خوشحالی بسیار مهم و کاربردی است. کوچش با ارجاع به تحقیق نینگ یو (۱۹۹۵، ۱۹۹۸) عنوان میدارد که نینگ یو پس از بررسی این استعاره‌ها در زبان چینی به این نتیجه رسیده است که آنها به سان زبان انگلیسی برای مفهومسازی خوشحالی در زبان چینی نیز به کار میروند (همان، ۱۹۵).

۴. تحلیل داده‌ها و نتایج

در مقاله حاضر به بحث و بررسی در مورد زبان استعاری اوباما در کتاب وی با در نظر گرفتن نظریه استعاره جانسون و لیکاف خواهیم پرداخت که استعارات ذیل بر همین مبنا استخراج و بررسی شدند.

استعارات جهت مند

استعارات جهت مند گونه‌ای از استعاره هستند که در آنها یک مفهوم در قالب مفهومی دیگر شکل نمیگیرد، به جای آن کل نظام مفاهیم را با به صورت یک به یک سازماندهی میکند. بیشتر این استعارات با جهت‌های فضایی سروکار دارند که به صورت بالا-پایین، داخل-خارج، جلو-عقب، مرکزی-جانبی و غیره بیان میشوند. این استعارات در حقیقت نشات گرفته از عملکرد جسمی انسان در محیط فیزیکی میباشد.

به طور مثال در استعارات جهتمند خوشحال بالا میباشد. در زبان انگلیسی اصطلاحی مانند I am feeling up در برگیرنده مفهومی جهتمند از شادی میباشد که در بالا قرار

دارد (جانسون و لیکاف، ۱۹۸۰). آنها به این نکته اشاره میکنند که استعارات جهت مند قراردادی نیستند بلکه به صورت اساسی در تجارب فیزیکی و فرهنگی ما یافت میشوند. اما باید توجه داشت که مفاهیم استعارات جهت‌مند به طور کلی و استعارات قطبی به طور خاص در فرهنگهای مختلف دارای وجوه افتراق میباشند.

با توجه به توضیحات ذکر شده در بالا آنچه که در این بخش به آن میپردازیم ادبیات باراک اوباما در کتاب او میباشد که در آن استعارات جهت‌مند برجسته میباشند. این استعارات به صورت موردی و از میان تعداد بیشماری از موارد مشابه و با در نظر گرفتن نظریه جانسون و لیکاف ۱۹۸۰ استخراج شده اند.

هوشیاری بالا است:

(۱) ازاینکه صبحها رغبتی برای بیدار شدن و مطالعه نداشتم احساس خوشایندی داشتم (اوباما، ص. ۲۹)

(۲) به من گفت که مجبور نیستی صبحها ساعت چهار از خواب بیدار بشی^۱ و این برای من بسیار متقاعدکننده بود (اوباما، ص. ۳۲)

همان‌گونه که در مثال‌های بالا مشخص میباشد عبارت بیدار شدن در انگلیسی با حرف اضافه (up) به مفهوم بالا همراه است و از آنجایی که بیدار شدن انسان را از حالت ناهوشیاری به هوشیاری منتقل میکند این هوشیاری با حرف اضافه up در بالا قرار میگیرد.

ناهوشیار پایین است

مثالهای ذیل بیان‌گر وضعیت ناهوشیاری میباشند که از طریق تحلیل متنی در ادبیات اوباما به چشم می‌خورند. در بیشتر نمونه‌های ذیل این طبقه‌بندی نویسنده از کلمه (افتادن) و زمان گذشته آن (افتاد) استفاده کرده است. در چنین جملاتی استعاره‌های جهت‌مند به طور کل و استعاره‌های ناهوشیاری از این طبقه‌بندی کاملاً مشهود میباشند. به طوریکه خواننده آگاه نسبت به تعاریف نوین استعاره میتواند علاوه بر درک معانی جملات مورد استفاده برداشت مرتبط با استعاره از منظر لیکاف و جانسون را داشته باشد. باید به این نکته توجه داشت که این مثالها تنها بخش کوچکی از یک مجموعه بزرگ و مشابه در کتاب رویاهای پدرم میباشند که صرفاً به عنوان نمونه‌های مورد استفاده در این پژوهش استخراج شده‌اند. جمع‌آوری و گنجاندن تمامی شواهد و مثال‌ها به طور یقین از حوصله این مطالعه خارج میباشند.

۱- Wake up

۳) به همین دلیل بود که میتوانست هرازگاهی به من سر بزند و جای بنوشد و روی همین صندلی که تو نشسته‌ای به خواب فرو رود^۱ (اوباما، ص. ۵۲).

۴) من جای خشکی پیدا کردم و چمدانم را زیر پاهایم گذاشتم، و به خواب فرو رفتم، و صدای طبلها به رویاهایم جان میبخشیدند (اوباما، ص. ۶۰).

۵) روی تخت مسافرتی که او برایم مهیا کرده بود و با صدای وزوز حشراتی که بیرون از پنجره بودند به خواب فرو رفتم (اوباما، ص. ۱۶۶).

۶) روی جرعه‌ای دیگر از مالشعیر نوشید و روی صندلی فلزی ولو شد^۲ (اوباما، ص. ۱۹۶).
۷) روی از آن خانم خوشش می‌آمد و از این رو برایش یک بطری مالشعیر خرید و شروع به صحبت کردن نمودند. مردی از راه رسید و در حالیکه ادعا می‌کرد همسر آن زن است دستش را کشید. زن تلوتلوخوران بر زمین افتاد (اوباما، ص. ۱۹۶).

۸) سرانجام به خواب فرورفتم و در رویاهایم در امتداد یک جاده روستایی قدم می‌زدم (اوباما، ص. ۱۹۹).

۹) صدای غرش پلنگی شنیدم و شروع به دویدن در جنگل کردم، پاهایم را به کنده درختان و ریشه‌های بیرون زده میکوبیدم تا جایی که دیگر توان دویدن نداشتم و از فرط خستگی در محلی صاف به زانو درآمدم^۳ (اوباما، ص. ۱۹۹).

تسلط یا نفوذ داشتن بالاست، تحت سلطه یا نفوذ بودن پایین

۱۰) اما من فکر میکنم که او هرگز نتوانست بر تلخی آنچه که بر او گذشت غلبه کند و همسالان خود که از نظر سیاسی و با زیرکی از او بالاتر بودند^۴ (اوباما، ص. ۱۱۸).

۱۱) علیرغم تمام این حرفها من گمان نمیکنم که او هرگز این باور را قبول نداشت که سفیدپوستان با برتری نسبت به سیاهپوستان به دنیا می‌آیند (اوباما، ص. ۲۱۷).

۱۲) زمانی که من و دوستم هنوز بچه بودیم به جهانگردها و پاهای نازک و آفتاب سوخته‌شان میخندیدیم و غرق در لذت برتری ملموسمان میشدیم (اوباما، ص. ۱۶۷).

در مثالهای شماره ۱۱ و ۱۲ از عبارت (superior to) به معنای برتری داشتن استفاده شده است و این درست مانند همان مثالی میباشد که لیکاف و جانسون در کتاب خود برای رساندن مفهوم تسلط داشتن یا برتر بودن استفاده کرده اند.

۱- Fall asleep

۲ -fell

۳- Fell to my knees

۴ -Rise ahead of him

۱۳) بعدها وقتی باراک از جایگاه قدرت سقوط کرد، تلاشش بر این بود تا مشکلاتش را از پیرمرد مخفی کند (اوباما، ص. ۲۲۵).

۱۴) مری متقاعدشان کرده بود که سازماندهی کردن باعث در هم شکستن این انزوا خواهد شد و این نه تنها از سقوط محله‌های همسایه جلوگیری میکند بلکه باعث به جریان انداختن انرژی در اهالی محله و نیز تقویت مجدد روحیه‌شان میشود (اوباما، ص. ۹۱).
در مثال فوق نویسنده از استعاره جهت مند (decline) به منظور رساندن مفهوم افت و سقوط استفاده کرده است و این کلمه به عنوان یکی از استعاره‌های طبقه بندی سقوط قرار میگیرد.

شاد بالا است، غمگین پایین است

۱۵) اما باراک احساس افسردگی می‌کرد و تقریباً ناامید بود (اوباما، ص. ۲۲۴). همانطور که بیان شد غمگین بودن از لحاظ جهت‌ی به طور معمول پایین قرار دارد و لیکا ف و جانسون یکی از کلمات مورد استفاده برای این مفهوم را (depressed) معرفی میکنند. در همین راستا اوبا برای بیان چنین حالتی از کلمه مذکور استفاده کرده است.
۱۶) برای تهیه یخچال به تنهایی حقوق دوماهش لازم بود و تعجبی نداشت که برای تهیه اش برای همسر و یک بچه او افسرده^۱ به نظر برسد (اوباما، ص. ۲۷).

۱۷) چنین امتیازی باعث بالارفتن روحیه تعدادی از پدرمادرها شد (اوباما، ص. ۱۳۴).

سلامتی و زندگی بالاست، بیماری و مرگ پایین است

۱۸) چنانچه جین و زیتونی در بستر بیماری میافتادند، و یا اگر شرکتهایشان تعطیل میشد و یا آنها را از کار بیکار میکرد، هیچ شبکه ایمنی دولتی در کار نمیبود (اوباما، ص. ۱۷۷).

۱۹) در تمام مدت دخترک کنارشان ایستاده بود و درون خود درد را احساس میکرد. درد زیادی دارد دکتر جان. قبل از اینکه جست و خیزی داشته باشد شما تشخیص خواهید داد که عاجز به نظر میرسد^۲ و درد لعنتی او را میآزارد (اوباما، ص. ۱۳۵).

در نظر گرفتن این نکته دارای اهمیت ویژه ای است که ما در زبان فارسی برای بیان وضعیت سلامتی آنگونه که در مثال فوق مشاهده میشود معادل جهت‌ی یا مکانی نداریم. چنانچه در مثالهای بالا مشاهده میشود نویسنده مفاهیم بیماری و مرگ را با واژگانی در هم میآمیزد که تداعی کننده استعارات جهت مند (نزولی) میباشند. بنابراین مصداق کامل طبقه بندی جانسون و لیکاف را میتوان در اینجا بازنمایی کرد.

۱- depressed

۲: این اصطلاح در زبان فارسی معادل مکانی و جهت مند ندارد. She looks down- ۲

بیشتر بالا است، کمتر پایین

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بر این باور هستند که مفاهیمی که کاملاً عقلانی هستند، مانند مفاهیم مطرح در یک نظریه علمی، اغلب و شاید همیشه بر اساس استعاره‌هایی شکل می‌گیرند که مبنای فیزیکی یا فرهنگی دارند. اساس و بنیان بالا در «ذرات با انرژی بالا» **بیشتر بالاست** بوده است. نیز، در روانشناسی فیزیولوژیکی، **عقلانی بالاست** در عملکردهای سطح بالا بوده است. **پایین** در «واجشناسی سطح پایین»^۲ بر اساس واقعیت عادی و روزمره پایین است (لیکاف و جانسون ۱۹۸۰، آقا ابراهیمی، ۱۳۹۴).

بر همین اساس نگارندگان تلاش نموده تا استعاراتی که نشأت گرفته از تجربه‌های فیزیکی و فرهنگی قابل بررسی در کتاب اواما میباشند را استخراج و در مقام تطبیق قرار دهد.

۲۰) وی برای شروع کار پیشنهاد ده هزار دلار در سال اول به اضافه دوهزار دلار هزینه سفر برای خرید یک ماشین را داد. و چنانچه کارها خوب پیش رود حقوق افزایش پیدا خواهد کرد^۳ (اواما، ص. ۷۸).

۲۱) بهایی که مردم به خاطر مشاغل پردرآمدشان می‌پرداختند (اواما، ص. ۹۰). در مثال شماره ۲۱ که برگرفته از نوشتار باراک اواما میباشد پر واضح است که نویسنده از استعاره جهتی بالا به منظور نشان دادن بالا بودن حقوق و مزایا استفاده کرده است. وی اصطلاح high- wage jobs را به معنای مشاغل با حقوق بالا به کار می‌گیرد و بدین سان بر نظریه جنجالی جانسون ولیکاف صحنه می‌گذارد. شایان ذکر است که مانند بسیاری از استعارات جهت‌مند و هستی‌شناختی ما در زبان فارسی معادل اصطلاحی برای مثال مذکور نداریم.

۲۲) حس مسئولیت‌پذیری که در خود و دیگران احساس می‌کردند با شوخ طبعی مرگبار و انتظارات کم^۴ جایگزین شد (اواما، ص. ۱۲۵).

۲۳) خدایا ما از تو به خاطر هر آنچه که برایمان تا کنون انجام داده‌ای سپاسگزاریم... پروردگارا هر کدام از ما از سطوح متفاوتی از زندگی در اینجا هستیم.. **بعضیها بالا و بعضیها پایین**..^۵ اما زمین که روی آن ایستاده ایم یکسان است (اواما، ص. ۱۵۸).

۱- High Energy Particles

۲- Low-level phonology

۳- The salary goes up

۴- Low expectations

۵- Some considered high, some considered low. برای این ساختار معادل اصطلاحی فارسی وجود ندارد.

۵. یافته‌ها

همانگونه که نشان داده شد اوپاما مانند بسیاری از نویسندگان و گویشوران انگلیسی زبان دیگر استعارات را به دوصورت به کار برده است. یکی که همان استعاره در معنای کلاسیک و سنتی می‌باشد که در درآمد این جستار به آن پرداختیم. دومی، همان استعاراتی هستند که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در کتاب جنجالی و شمایل شکنانه خود "استعاراتی که با آنها زندگی می‌کنیم" در حوزه زبانشناسی شناختی به آنها پرداختند. مقاله حاضر به شق دوم قضیه می‌پردازد که براساس نظریه جانسون و لیکاف شواهد و مثالهایی از استعارات جهت مند از قلب کتاب اوپاما استخراج شده است و علاوه بر بررسی تحلیلی توصیفی آنها یافته‌های ذیل نیز به دست آمد.

در بسیاری از موارد بویژه زمانی که ما با زبان روزمره و مباحث مفهومی کلیشه‌ای در زبان مواجه هستیم واژه‌ها می‌توانند علاوه بر بخشیدن ویژگی استعاری به مفاهیم در قالب استعارت ملموس با مفاهیم آشنا تر به کار بروند. مثلاً همین واژه fall که در مورد آن در مثالهای بالا توضیح دادیم می‌تواند در اصلاحاتی به کار رود که با آنکه استعاری هستند اما به دلیل استفاده متناوب در زبان خاصیت استعاری بودن را از دست داده‌اند. استعاراتی از این دست را استعارات مرده مینامند.

در مثال ذیل نویسنده از اصطلاح انگلیسی (fall in love) به معنی عاشق شدن استفاده می‌کند. در حالیکه این اصطلاح ذاتاً یک استعاره جهت‌مند می‌باشد و از لحاظ استعاری جهت‌مند بودن آن رو به پایین و از نوع منفی است اما در ذهن گویشور انگلیسی زبان این اصطلاح تداعی کننده چنین مفهومی نمی‌باشد.

(۲۴) در دوره زبان روسی، او با یک دختر سرسخت و خجالتی آمریکایی آشنا میشود که تنها هیجده سال داشت و آنها عاشق یکدیگر میشوند (اوپاما، ص. ۱۰).

به مثال بعدی توجه نمایید:

(۲۵) اتاق ساکت شد (اوپاما، ص. ۱۰)

در اینجا اوپاما از عبارت انگلیسی (The room fell quiet) استفاده کرده است. با اینکه کلمه fell به زعم جانسون و لیکاف تداعی کننده استعاره جهت‌مند رو به پایین و منفی از قبیل شرارت، بد بودن، کمتر بودن و غیره می‌باشد اما همانطور که پیداست در اینجا به هیچ وجه چنین قالب معنایی و استعاری را تداعی نمی‌کند.

آنچه که لیکاف و جانسون به آن اشارتی نداشتند و میتوان به آن بر اساس شواهدی که در بسیاری از متون انگلیسی و نیز همین کتاب اوپاما به آن رسید استفاده مکرر و نوشتاری و محاوره‌ای از کلمه fall می‌باشد که برای مفاهیم بسیاری کاربرد دارد. شاید بتوان با تحقیق

و پژوهش گسترده تر به طیف جدیدی از استعارات دست یافت که در نوع خود منحصر به فرد میباشد. در زیر به نمونه هایی از آنها اشاره میکنیم:

(۲۶) وی و گرامپس هر دو به سکوت فرو رفتند—both she and Gramps fell silent (اوباما، ص. ۳۷)

(۲۷) پدر و مادر نشستند و همه در سکوت فرو رفتند—The parents sat down, and everyone fell into silent (اوباما، ص. ۱۳۰).

(۲۸) اکنون تاریکی شب به غروب رسید—Night now fell in midafternoon (اوباما، ص. ۱۰۲).

(۲۹) وقتی بعدازظهر به گرگ و میش غروب رسید—As the afternoon fell to dusk (اوباما، ص. ۹۵).

از مثالهای فوق می توان نتیجه گیری کرد که از لحاظ استعاری سکوت و غروب و شب پایین میباشند.

شایان ذکر است که استفاده از کلماتی که از نظر جانسون و لیکاف به عنوان استعاره های جهت مند به کار می روند همیشه به یک صورت عمل نمیکند و گاهها مفاهیم منفی را به جای مثبت و برعکس القا میکنند. به مثال زیر توجه نمایید:

(۳۰) وضعیت اقتصادی بدتر شده بود و فساد و جرایم خیابانی همراه آن بالا رفته بود (اوباما، ص. ۲۳۴).

همانطور که در مثالهای فوق نشان داده شد بالا بودن بیشتر به عنوان یک جهت گیری مثبت قلمداد میشود اما در مثال شماره ۳۰ نویسنده از کلمه (rise) برای رساندن یک مفهوم منفی استفاده کرده است. در نتیجه میتوان اذعان کرد که استعارات جهت مند مانند بسیاری از استعارات دیگر در یک قالب مفهومی به کار نمیروند و در بسیاری از موارد به عنوان مفهوم مخالف به خدمت گرفته میشوند.

۶. نتیجه گیری

با توجه به اهمیت زبانشناسی شناختی در دنیای امروز، با استفاده گسترده و روزمره از مفاهیمی که در این حوزه به عنوان استعارات مفهومی و هستی شناختی و زیرشاخه های آنها از جمله استعارات جهت مند شناخته میشوند مواجه هستیم. اما آنچه که از این مقاله منتج میشود این است که در بسیاری از موارد مردم عادی به طور کل و نویسندگان به صورت خاص از آنچه که به عنوان استعاره در گفتار و نوشتار روزمره و تخصصی به عنوان استعاره استفاده میکنند ناخودآگاه بوده و به صورت ریاضی گونه حوزه مبدا و مقصدی برای آن در نظر نمیگیرند. از سوی دیگر، مانند بسیاری از علوم در علم زبانشناسی شناختی به ویژه در

مبحث استعاره‌ها فرآیند مطلق وجود ندارد و همانطور که در بخش یافته‌ها به آن اشاره شد موارد زیادی وجود دارند که با وجود داشتن مؤلفه‌ای نظری در متن از نظریه جانسون و لیکاف تبعیت نمیکنند و حتی میتوانند حوزه‌ای جدید را پیش روی محققان علاقه‌مند به این رشته بگشایند. بنابراین بار دیگر به این نکته می‌رسیم که یک متن می‌تواند مستعد تفاسیر متعدد چه در یک حوزه خاص و چه در چند حوزه باشد. همانطور که دیده شد، نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در استخراج استعاره‌های جهت‌مند در متون معاصر بخصوص رمان «رویاهای پدر من» اثر باراک اوباما به جز مواردی خاص که بدان اشاره شد، کفایت لازم را داشت.

همچنین به نظر میرسد خالق اثر کتاب "رویاهای پدرم" از استعارات جهت‌ی استفاده نموده که با توجه به مثالهای مستخرج و یادشده به غنای متن کمک کرده است.

منابع

- امینی، رضا، ۱۳۸۳، *مقایسه رویکرد لیکاف جانسون و هلیدی به استعاره*. پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. پژوهشکده زبانشناسی.
- ایبریمز، ام‌اچ، ۱۹۹۹، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*. ترجمه سعید سبزیان، تهران، انتشارات رهنما.
- افراشی، آریتا، ۱۳۹۳، *استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی، زبان‌شناخت، دوره ۵، (۲)، ۱ - ۲۰*.
- بیابانی، احمدرضا، ۱۳۹۱، *بررسی استعاره‌های جهت‌گیرانه و طرح‌واره‌های تصویری در شعر شاملو، پژوهشنامه نقد ادبی، دوره ۱ (۱)، ۹۹ - ۱۲۶*.
- کوچش، زولتن، ۲۰۱۰، *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، ترجمه‌ی شیرین پورابراهیم، تهران، سمت*.
- گلفام، ارسلان، یوسفی راد فاطمه، ۱۳۸۱، *زبان‌شناسی شناختی و استعاره، تازه‌های علوم شناختی، شماره ۶۱۵، از صفحه ۵۹ تا ۶۴*.
- هاشمی، زهره، ۱۳۸۹، *نظریه استعاره‌ی مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون، ادب پژوهی، شماره ۲، از صفحه ۱۱۹ تا ۱۴۰*.
- هاوکس، ترنس، ۱۳۷۷، *استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز*.
- Abrams. M, H. ,1999, *A Glossary of literary terms (7th ed)*, Heinle& Heinle, Thomson Learning, Boston. Massachusetts, USA.
- Afrashi, A. 2011, *Semantic analysis of shame in Persian: A cognitive and cultural perspective*, Emotion, Cognition,

Communication conference, (23-25), University of Cyprus and Sorbonne Nouvelle, Nicosia.

- Grady, J. E. 2007, "Metaphor", in *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*, ed. Dirk

- Geeraerts and Hubert Cuyckens, Oxford: Oxford University Press.

- Kövecses, Zoltán. a. ,010, *Metaphor: A practical introduction*, New York. Oxford University Press. 2nd Ed.

- Lakoff, George. Johnson, Mark ,1999, *Philosophy in the flesh. Embodied mind and challenges to western thought*, New York, Basic Book.

- Lakoff, George,1992, *The contemporary theory of metaphor and thought* (2nd edition), Cambridge University Press. Retrieved from <https://terpconnect.umd.edu/~israel/lakoff-ConTheorMetaphor.pdf>

- Lakoff, G. ,1987, *Women, fire, and dangerous things: What categories reveal about the mind*, Chicago: The University of Chicago Press.

- Stockl, Hartmut ,2010, *Metaphor revisited*. Retrieved from http://stoeckl.sbg.ac.at/Stoeckl/Publikationen_2_files/Stoeckl_2010_189-207.pdf

Lakoff, G, & Johnson, M,1999, *Philosophy of the flesh*. Retrieved from

<https://fa.wikipedia.org/wiki>